

پرونده شماره ۱۱۸۰۳

شعبه یک

حکم شماره ۱ - ۱۱۸۰۳ - ۴۷۶

دانالد دبلیو دیوید ،

ادعای کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار مطروح توسط

ایالات متحده امریکا ،

خواهان،

- و -

جمهوری اسلامی ایران ،

خوانده.

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دیوان داورى دعاوى ایران - ایالات متحده
FILED	ثبت شد
DATE	19 MAR 1990
	تاریخ ۲۸ / ۱۲ / ۱۳۶۸

حکم

حاضران :

از طرف خواهان:

خانم جودیت کی. کول،

وکیل مشاور، وزارتخارجہ ایالات متحده،

آقای مایکل اف. رابوین،

معاون نماینده رابط ایالات متحده امریکا.

از طرف خوانده:

آقای علی حیرانی نوبری،

نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،

آقای محمدحسن بردبار،

مشاور حقوقی نماینده رابط

آقای کرمعلى کمايستانی،

دستیار حقوقی.

یک -

مقدمه

۱ - در تاریخ ۲۹ دی ماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۲] ایالات متحده امریکا دادخواستی به ثبت رساند و ادعای کمتر از ۲۵۰،۰۰۰/ دلار را از طرف دانالد دبلیو دیوید ("خواهان") علیه جمهوری اسلامی ایران، یا به نحو مشخص‌تر، علیه صنایع هواپیمایی ایران ("صنایع هواپیمایی") مطرح کرد. خواهان خساراتی به مبلغ ۹،۸۶۱/ دلار (به علاوه بهره و هزینه) بابت حقوق و مزایای مکتسبه خود به موجب قرارداد استخدامی با صنایع هواپیمایی و نیز بابت از دست دادن اموال شخصی خود، که حسب اظهار، در نتیجه اخراج غیرقانونی از ایران حادث شده مطالبه کرده است (۱). صنایع هواپیمایی اظهار می‌دارد کلیه مبالغی را که طبق قرارداد به خواهان تعلق می‌گرفته به وی پرداخته است. علاوه بر آن، دولت ایران منکر مسئولیت خود بابت از دست رفتن احتمالی اموال خواهان در نتیجه عزیمت وی از ایران است. طی دستور شماره ۶۹ مورخ ۱۵ تیرماه ۱۳۶۸ [ششم ژوئیه ۱۹۸۹] ریاست دیوان، آقای روبرت برینر به جای آقای بنگت برومس به عنوان رئیس شعبه یک در این پرونده منصوب شد. جلسه استماع پرونده در تاریخ ۳۰ آبان‌ماه ۱۳۶۸ [۲۱ نوامبر ۱۹۸۹] تشکیل گردید.

دو -

واقعیات و اظهارات

۲ - در ژوئیه ۱۹۷۷، خواهان قرارداد استخدامی ("قرارداد") خود را با صنایع هواپیمایی امضا کرد. مدت قرارداد ۱۸ ماه بود که از تاریخ ۲۶ مردادماه ۱۳۵۶ [۱۷

---

(۱) خواهان در جلسه استماع، غرامت درخواستی خود را، که در دادخواست اصلاحی ۱۱،۱۲۲/۵۶ دلار بود، اصلاح کرد. خواهان مبلغ درخواستی اولیه خود را تعدیل نمود تا وجوهی از جمله مبلغ ۶۳،۳۰۰/ ریال پرداختی صنایع هواپیمایی به وی در اواخر ژانویه ۱۹۷۹ زمانی که هنوز در ایران بوده (به بند ۷ آتی مراجعه شود)، و نیز کاهش مبلغ ۸۳۹/ دلار از هزینه انبارداری که حسب ادعا در ایالات متحده انجام می‌شده است در آن ملحوظ گردد.

اوت ۱۹۷۷]، زمانی که برای انجام تشریفات نهایی استخدام به عنوان کارمند جدید در دفتر مرکزی صنایع هواپیمایی در تهران حضور یافت، شروع و در ۲۸ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ [۱۷ فوریه ۱۹۷۹] قرارداد منقضی می‌شد. خواهان به عنوان "بازرس فنی موتورها" استخدام شده بود. همسر وی در اکتبر ۱۹۷۷ در ایران به وی ملحق گردید.

۳ - خواهان اظهار می‌دارد که در اواخر دسامبر ۱۹۷۸ برای تعطیلات کریسمس با همسرش به تایلند سفر کرد. وی می‌گوید که در پایان آن تعطیلات به دلیل مخاطرات روزافزای زندگی در ایران همسرش مستقیماً از تایلند به ایالات متحده مراجعت نمود و خود وی در ۲۳ دی‌ماه ۱۳۵۷ [۱۳ ژانویه ۱۹۷۹] یا حوالی آن تاریخ با هواپیمای تهران برگشت. وی ادعا می‌کند که قصد داشت روز ۱۳ دی‌ماه ۱۳۵۷ [سوم ژانویه ۱۹۷۹] به ایران مراجعت کند ولی چون همه پروازها به مقصد ایران لغو و فرودگاه مهرآباد بسته شده بود، وی نتوانست طبق برنامه قبلی خود به ایران مراجعت کند.

۴ - خواهان ادعا می‌کند که پس از مراجعت خود ملاحظه کرد که در غیاب وی سرپرست وی به کارکنان دستور داده بود تا اوضاع دوباره امن نشده سرکار نروند. خواهان اظهار می‌دارد که صنایع هواپیمایی به کارکنان اطمینان داده بود که در هر حال حقوق آنها به طور کامل پرداخت خواهد شد. وی همچنین اظهار می‌دارد که تقریباً از ۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ [اول فوریه ۱۹۷۹] وی و بسیاری دیگر از کارکنان امریکایی شخصاً هر روز به دفاتر صنایع هواپیمایی، که به فرودگاه مهرآباد منتقل شده بود مراجعه می‌کردند تا معلوم شود آیا کاری وجود دارد یا خیر. خواهان اظهار می‌دارد که گرچه وی به طور مستمر در اختیار صنایع هواپیمایی بود [ولی] حضورش بر سر کار امکان نداشت.

۵ - فرم "تسویه حساب پایان خدمت" حاکی از آن است که خواهان در آخرین روز ژانویه ۱۹۷۹ کلیه ابزار و لوازمی را که شرکت در اختیار وی قرار داده بود به صنایع هواپیمایی مسترد و از این لحاظ مشخصاً در دهم و یازدهم بهمن‌ماه ۱۳۵۷ [۳۰ و ۳۱ ژانویه ۱۹۷۹]

با شرکت تسویه حساب کرده بود. در همان فرم همچنین قید شده است که تاریخ ۲۸ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ [۱۷ فوریه ۱۹۷۹] "آخرین روز کار" وی و "تاریخ قطعی" پایان خدمت است.

۶ - در ۱۵ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ [چهارم فوریه ۱۹۷۹] خواهان از صنایع هواپیمایی مجوز لازم را تحصیل کرد تا ۵۰۰ پوند ائانه خانه خود را به هزینه شرکت به ایالات متحده حمل نماید. در اجازه نامه مزبور که مشترکا به امضای صنایع هواپیمایی و خواهان رسیده روز ۲۵ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ [۱۴ فوریه ۱۹۷۹] به عنوان تاریخی مشخص شده بود که قرار بود ائانه وی برای حمل تحویل گرفته شود. در حقیقت وسایل متعلق به خواهان در ۲۸ و ۲۹ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ [۱۷ و ۱۸ فوریه ۱۹۷۹] توسط فور ویندز اینترنشنال اینک. تحویل گرفته شد و نهایتاً در ایالات متحده به دست وی رسید.

۷ - خواهان در لوایح کتبی خود اظهار داشته که صنایع هواپیمایی بعد از ۳۰ آذر ماه ۱۳۵۷ [۲۱ دسامبر ۱۹۷۸] پرداخت حقوق و مزایای وی را متوقف کرد، ولی صنایع هواپیمایی مدارکی تسلیم کرده که نشان می‌دهد در اواخر ژانویه ۱۹۷۹ مبلغ /-۶۳،۳۰۰ ریال به حساب حقوق خواهان در بانک سپه واریز نموده و خواهان در فوریه ۱۹۷۹، یعنی تقریباً دو هفته قبل از عزیمت خود، مبلغ /-۶۴،۰۰۰ ریال از آن حساب برداشت کرده است. خواهان در جلسه استماع این ادله را پذیرفت و بر آن اساس مبلغ ادعای خود را کاهش داد.

۸ - خواهان اظهار می‌دارد که در ۲۸ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ [۱۷ فوریه ۱۹۷۹] یعنی در آخرین روز استخدامش، مقامات صنایع هواپیمایی به وی و سایر کارکنان امریکایی که در دفتر شرکت در فرودگاه مهرآباد اجتماع کرده بودند اطلاع دادند که دفاتر صنایع هواپیمایی دیگر باز نخواهد شد و آنها باید کشور را ترک کنند. وی اظهار می‌دارد که مقامات صنایع هواپیمایی ایران تاکید کردند که اوضاع ایران برای اقامت امریکاییان در کشور امن نیست و کارمندان باید فوراً ایران را ترک کنند. خواهان ادعا می‌کند که صنایع هواپیمایی به کلیه

کارکنان اطمینان داد که حقوق آنها تا ۲۸ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ [۱۷ فوریه ۱۹۷۹] به طور کامل پرداخت خواهد شد.

۹ - خواهان اظهار می‌دارد که قبل از ترک ایران با پرواز تخلیه اضطراری دوم اسفندماه ۱۳۵۷ [۲۱ فوریه ۱۹۷۹]، سعی کرد برای حمل مبلمان خانه خود به ایالات متحده ترتیباتی بدهد. او اظهار می‌دارد که وی همچنین برای فروش این اموال در یک روزنامه محلی آگهی داد. ولی حسب ادعا کوشش وی بی‌ثمر بود به نحوی که مجبور شد اثاثه خود را در آپارتمان خویش به جای بگذارد.

۱۰ - خواهان اظهار می‌دارد که صنایع هواپیمایی علی‌رغم اطمینانهای مکرر خود هیچگاه تمامی حقوقی را که به موجب قرارداد استخدامی به وی تعلق می‌گرفته، نپرداخته است. طرفین قبول دارند که تنها وجهی که خواهان پس از عزیمت از ایران دریافت کرده، مبلغ ۲،۹۹۷/۰۷ دلاری بود که در فوریه ۱۹۸۱ به حساب وی در ایالات متحده حواله شده است.

### سه - صلاحیت

۱۱ - ظاهراً اختلافی نیست که خواهان تبعه ایالات متحده می‌باشد و این امر برای دیوان نیز محرز است. همچنین تردیدی نیست که این ادعاها طبق الزام بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل مستمرا متعلق به چنین تبعه‌ای بوده است.

۱۲ - بحثی نیست و دیوان نیز قبلاً نظر داده که صنایع هواپیمایی در ۲۹ دی‌ماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] واحدی تحت کنترل دولت ایران بود و بنا بر این در تعریف «ایران» به مفهوم مورد نظر در بند ۳ ماده ۷ بیانیه حل و فصل دعاوی، قرار می‌گیرد. به بند ۴ حکم شماره ۳-۱۰۳۳۵-۲۳۳ مورخ ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۶۵ [هشتم

مه ۱۹۸۶] صادر در پرونده تیودور لاوت و جمهوری اسلامی ایران ،  
منتشره در 11 Iran-U.S. C.T.R. 150, 151 مراجعه شود.

۱۳ - ادعاها از نقض ادعایی قرارداد و سلب مالکیت از اموال خواهان در نتیجه اخراج  
غیرقانونی ادعایی وی از ایران ناشی می شود که هر دو طبق بند ۱ ماده دو بیانیه حل  
و فصل دعاوی مشمول صلاحیت موضوعی دیوان هستند. مراجعه شود به بند ۱۱  
حکم شماره ۳-۱۱۱۳۵-۳۱۲ مورخ ۲۳ تیرماه ۱۳۶۶ [۱۴ ژوئیه ۱۹۸۷] صادر در  
پرونده الفرد ال دبلیو شورت و جمهوری اسلامی ایران ، منتشره در  
16 Iran-U.S. C.T.R. 76, 79 و بند ۳۰ حکم شماره ۱-۱۰۱۹۹-۳۲۴ مورخ ۱۱ آبان ماه  
۱۳۶۶ [دوم نوامبر ۱۹۸۷] صادره در پرونده کنت بی. بیگر و جمهوری اسلامی ایران ،  
منتشره در 17 Iran-U.S. C.T.R. 92, 99 و بند ۱۷ حکم شماره ۲-۱۰۹۱۳-۳۲۶ مورخ  
۱۲ آبان ماه ۱۳۶۶ [سوم نوامبر ۱۹۸۷] صادره در پرونده جک رنکین و جمهوری اسلامی  
ایران ، منتشره در 17 Iran-U.S. C.T.R. 135, 139

۱۴ - دیوان نتیجه می گیرد که نسبت به ادعای مطروح در این پرونده صلاحیت  
دارد.

چهار - دلایل موجه حکم

الف - ادعای قراردادی

۱۵ - خواهان مبلغ ۵،۶۱۱/- دلار به عنوان باقیمانده حقوق و مزایایی مطالبه می کند که  
حسب ادعای طبق قرارداد استخدامی منقضی در ۲۸ بهمن ماه ۱۳۵۷ [۱۷ فوریه ۱۹۷۹] ،  
صنایع هواپیمایی به وی بدهکار بوده است. وی همچنین بهره مبلغ مورد ادعا را از آن

تاریخ، به علاوه بهره نسبت به مبلغ ۲,۹۹۷/۰۷ دلار برای دوره ۲۸ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ [۱۷] فوریه ۱۹۷۹] تا فوریه ۱۹۸۱ زمان انجام پرداخت توسط صنایع هواپیمایی، را مطالبه می‌کند.

۱۶ - خواننده استدلال می‌کند که قرارداد استخدامی خواهان قبلاً در ۱۳ دی‌ماه ۱۳۵۷ [سوم ژانویه ۱۹۷۹] یعنی آخرین روز مرخصی سالانه وی خاتمه یافته بود زیرا خواهان بدون عذر موجه برای مدتی بیش از ۵ روز بعد از آن تاریخ سر کار خود حاضر نشد. از نظر خواننده همین غیبت بدون عذر موجه طبق بند الف - ۱ ماده ۱۳ قرارداد موجب خاتمه خدمت وی شد. خواننده اظهار می‌دارد که متعاقب آن صنایع هواپیمایی و خواهان در تاریخ ۳۰ دی‌ماه ۱۳۵۷ [۲۰ ژانویه ۱۹۸۱] فرم قرارداد تسویه حساب کارکنان خارجی را امضاء کردند که به موجب آن صنایع هواپیمایی تعهد کرد مبلغ -/۲۵۲,۰۶۶ ریال به خواهان بپردازد و این مبلغ شامل کل مزایایی می‌شد که طبق قرارداد استخدامی به وی تعلق می‌گرفت. خواننده اظهار می‌دارد که این مبلغ در فوریه ۱۹۸۱ به حساب بانکی خواهان در ایالات متحده حواله گردید. خواننده همچنین استدلال می‌کند که مبلغ -/۶۳,۳۰۰ ریالی که صنایع هواپیمایی در اواخر ژانویه ۱۹۷۹ به خواهان پرداخت، بابت حقوق و مزایای وی از اول تا ۱۳ دی‌ماه ۱۳۵۷ [۲۲ دسامبر ۱۹۷۸ لغایت سوم ژانویه ۱۹۷۹] بوده و بنابراین نتیجه می‌گیرد که صنایع هواپیمایی کلیه مبالغی را که به خواهان بدهکار بوده به وی پرداخته است.

۱۷ - خواننده همچنین استدلال می‌کند که در هر حال خواهان از طرح هرگونه ادعایی که ناشی از قرارداد باشد ممنوع است زیرا در ماده ۱۴ قرارداد برای طرح ادعای قراردادی علیه صنایع هواپیمایی محدودیت زمانی معین شده است.

ماده ۱۴ قرارداد مقرر می‌دارد که :

کارمند در صورت خاتمه مأموریت باید ظرف ۶۰ روز از تاریخ خاتمه، ادعاهای خود را براساس این قرارداد بطور کتبی با اطلاع شرکت برساند و اگر ظرف مدت ۶۰ روز چنین ادعاهایی را عنوان نکند، ذیحق به هیچگونه ادعایی علیه شرکت نخواهد بود.

خواننده اظهار می‌دارد که خواهان آنچه را که حسب ادعا بموجب قرارداد به وی تعلق می‌گرفته هیچگاه کتبا به صنایع هواپیمایی اطلاع نداده است. بنابراین قصور وی در اقدام به موجب ماده ۱۴ قرارداد مانع رسیدگی دیوان به ادعای وی می‌باشد.

۱۸ - پاسخ خواهان به دفاع اخیرالذکر این است که اوضاع آشفته آن زمان در شرکت و در ایران، دادن چنین اطلاعی را بعد از عزیمت وی از کشور بیهوده ساخت. به علاوه، صنایع هواپیمایی با وعده به خواهان که حقوق وی را تا ۲۸ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ [۱۷ فوریه ۱۹۷۹] به طور کامل خواهد پرداخت، از حق خود به موجب ماده ۱۴ قرارداد استخدامی اعراض کرده بود. خواهان همچنین استدلال می‌کند که صنایع هواپیمایی با پرداخت مبلغ ۲،۹۹۷/۰۷ دلار به وی در فوریه ۱۹۸۱، اذعان کرده که شرط مرور زمان قابل اعمال نبوده است.

۱۹ - دیوان قبلاً نظر داده است که شرط مرور زمانی که در قرارداد مقرر شده باشد عموماً قابل اجراست. مراجعه شود به بند ۹ حکم شماره ۲-ب ۳۳۵-۹ مورخ نهم آذر ۱۳۶۶ [۳۰ نوامبر ۱۹۸۷] صادره در پرونده شرکت هواپیمایی ملی ایران و ایالات متحده آمریکا، منتشره در 17 Iran-U.S. C.T.R. 214, 217 و بندهای ۱۷-۲۳ حکم شماره ۲-۱۰۰۳۵-۲۵۲ مورخ ۲۱ شهریور ۱۳۶۵ [۱۲ سپتامبر ۱۹۸۶] صادره در پرونده کارولینا براس اینکوریوریتد و شرکت سهامی خطوط کشتیرانی ملی آریا و سایرین، منتشره در 12 Iran-U.S. C.T.R. 139, 143 et seq. بنابراین دیوان باید بررسی کند که آیا با توجه به کیفیات خاص این پرونده، عدول از این اصل موجه است یا خیر.



۲۰ - خوانده نتوانسته است ثابت کند که صنایع هواپیمایی در ۱۳ دی ماه ۱۳۵۷ [سوم ژانویه ۱۹۷۹] به خدمت خواهان با علت خاتمه داده بود. خوانده همچنین نتوانسته دیوان را قانع کند که در ۳۰ دی ماه ۱۳۵۷ [۲۰ ژانویه ۱۹۷۹] بین صنایع هواپیمایی و خواهان قرارداد حل و فصلی منعقد گردیده بود. خوانده به ویژه در مورد اخیرالذکر هیچ دلیلی و مدرکی ارائه نداده که نشان دهد خواهان هرگز از محتویات یا حتی وجود سندی تحت عنوان "قرارداد تسویه حساب کارمندان خارجی" که به عقیده خوانده نشانگر توافق صنایع هواپیمایی و خواهان راجع به پرداخت مبلغ /- ۲۵۲،۰۶۶ ریال به عنوان حل و فصل نهایی کلیه بدهی قراردادی صنایع هواپیمایی است، اطلاع داشته است.

۲۱ - پس از بررسی جمیع مدارک، دیوان مضافاً معتقد است که خواهان دلایل قانع کننده‌ای ارائه نداده که نشان دهد صنایع هواپیمایی زمانی قبل از عزیمت او از ایران به او وعده داده باشد که مبالغ مشخص مورد ادعا در اینجا را به وی خواهد پرداخت و یا پذیرفته باشد که آن مبالغ را به وی بدهکار است.

۲۲ - دیوان متذکر می‌گردد که خواهان پرونده لاوٹ، مذکور در فوق، که او نیز از کارکنان صنایع هواپیمایی بود و قراردادش در اول اسفند ۱۳۵۷ [۲۰ فوریه ۱۹۷۹] خاتمه یافته بود، موفق شده بود قبل از عزیمت خود از ایران کتباً ادعاهایش را به اطلاع صنایع هواپیمایی برساند و بدینترتیب طبق ماده ۱۴ قرارداد استخدامی عمل کند. سوابق موجود در آن پرونده نشان میدهد که آقای لاوٹ پس از خروج از ایران نامه دیگری در آوریل ۱۹۷۹ برای صنایع هواپیمایی ارسال نموده و ادعاهای خویش را طی آن پیگیری کرده بود. خواهان این پرونده هیچ مدرک یا توضیح منطقی راجع به اینکه چرا او نیز اقدام مشابهی انجام نداده، ارائه نکرده است. در واقع وی حتی سعی در ارائه ادعاهایش به صنایع هواپیمایی نکرد. با توجه به اوضاع آشفته‌ای که طبق اظهار وی در شرکت وجود داشت و از آنجائیکه صنایع هواپیمایی صریحاً به موجب نوشته قبول نکرده بود که مبالغ مشخصی را به وی بدهکار بوده، انتظار معقول این بود که خواهان با ارسال کتبی جزئیات حقوق و مزایای

استحقاقی خود برای صنایع هواپیمایی در جهت حفظ منافع خود بکوشد. به علاوه، علیرغم مرور زمان و خودداری صنایع هواپیمایی از ارسال مطالبی که حسب ادعا بدهکار بود، خواهان اقدامی برای مطالبه پرداخت [آن دیون]، یا جهت اعلام ادعایش به نحو دیگری به صنایع هواپیمایی، معمول نداشت. و باز در فوریه ۱۹۸۱ که مبلغ ۲،۹۹۷/۰۷ دلار از صنایع هواپیمایی دریافت کرد، به آن شرکت اطلاع نداد که این مبلغ شامل تمامی مبلغ مورد ادعای وی نمی‌شود. خلاصه اینکه، خواهان نه تنها ماده ۱۴ قرارداد استخدامی را رعایت نکرد، بلکه هیچگاه اقدامی در تعقیب یا استفسار راجع به حقوق ادعایی خود به عمل نیاورد. براساس مراتب پیشگفته، دیوان معتقد است که خواهان نشان نداده که برای نادیده گرفتن ماده ۱۴ قرارداد استخدامی دلیلی وجود داشته است. بنابراین دیوان ادعای قراردادی را مشمول مرور زمان دانسته و از اینرو ادعا را مردود اعلام می‌کند.

ب - ادعای مربوط به اموال شخصی

۲۳ - این قسمت از ادعا مبتنی بر این استدلال است که خواهان برخلاف قانون از ایران اخراج شده است. وی غرامتی به مبلغ ۴،۲۵۰ دلار آمریکا بابت ارزش استهلاکی اثاثه‌ای که در محل بجای گذارده مطالبه می‌کند.

۲۴ - خواهان استدلال می‌کند که به خاطر اعمال خشونت آمیز ضد امریکایی شایع در ایران، که به تحریک و تشویق دولت جدیدالتأسیس ایران صورت می‌گرفت، و پس از دستور صریح و مشخصی که مقامات صنایع هواپیمایی به وی دادند، مجبور شد ایران را ترک کند و بنابراین وی از کشور اخراج شده است. خواهان ادعا می‌کند که این اخراج غیر قانونی بود، زیرا به وی فرصت داده نشد که امور خود را سر و سامان دهد و بنابراین اخراج وی تخلف از موازین اساسی و معمول مقرر در حقوقی بین‌الملل عرفی و عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی سال ۱۹۵۵ منعقد شده بین ایران و ایالات متحده است. خواهان

برای اثبات مسئولیت ایران می‌بایست ثابت می‌کرد که عزیمتش از کشور ناشی از اقدامات خلاف و قابل انتساب به دولت ایران بوده است. به پرونده‌های کنت پی، بیگر و جک رنکین مذکور در فوق مراجعه. خواهان در این مورد از عهده بار اثبات ادعا برنیامده است. در سوابق پرونده مدرکی وجود ندارد که نشان دهد مقامات صنایع هواپیمایی ایران در واقع به کارکنان دستور داده بودند ایران را ترک کنند و یا اینکه برای عزیمت آنها ضرب الاجلی معین و یا شرایطی تحمیل کرده باشند. بنابراین لزومی ندارد که دیوان بررسی کند که آیا اعمال این مقامات می‌توانست موجب مسئولیتی برای دولت ایران باشد یا خیر. دیوان معتقد است که تصمیم خواهان به ترک ایران عمدتاً متاثر از انقضای قرارداد استخدامی وی در ۲۸ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ [۱۷ فوریه ۱۹۷۹] بوده است.

۲۵ - به طور خلاصه دیوان معتقد است که خواهان ثابت نکرده که به نحو غیرقانونی از ایران اخراج شده است. براین اساس، این قسمت از ادعا مردود است.

پنج - هزینه‌ها

۲۶ - هر یک از طرفین باید هزینه‌های داوری مربوط به خود را به عهده بگیرد.

شش - حکم

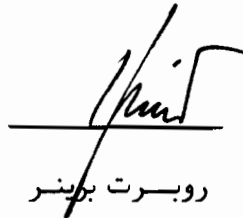
۲۷ - به دلایل پیشگفته،

دیوان به شرح زیر حکم صادر می‌کند :

(الف) ادعای دانالد دبلیو. دیوید مردود است.

( ب ) هریک از طرفین باید هزینه‌های داوری مربوط به خود را به عهده بگیرد.

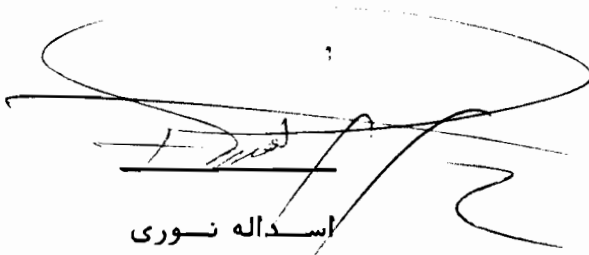
لاشه، به تاریخ ۲۸ اسفندماه ۱۳۶۸ برابر ۱۹ مارس ۱۹۹۰



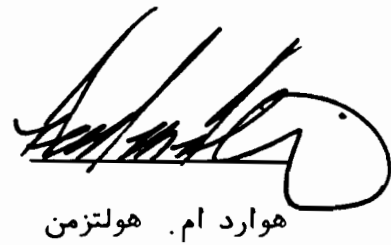
روبرت برنر

رئیس شعبه یک

به نام خدا



اسداله نوری



هوارد ام. هولتزمن

مخالف با قسمتی و موافق  
با قسمتی دیگر. به نظر  
جداگانه مراجعه شود.